

# نقد و بررسی تحقیقات خاورشناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سوره قرآن (قسمت اول)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو\*

## چکیده

مراد از «تاریخ گذاری قرآن» تعیین تاریخ نزول سوره های قرآن است. با توجه به اینکه این موضوع پژوهشی تاریخی است مبنا و روش تحقیق درست آن، استناد به ادله تاریخی، روایات معتبر و مضامین آیات و سوره است. بدین لحاظ، قرآن پژوهان مسلمان، اغلب در این زمینه به روایت ابن عباس استناد کرده اند و براساس آن به ترتیب نزول سوره ها پرداخته اند؛ ولی از آنجا که خاورشناسان بیشتر، بررسی لحن و آهنگ و سبک آیات و سوره را ملاک و مبنای تحقیق خود قرار داده اند و به روایات ضعیف استناد جسته اند، به نتایج ناموزون و نادرست نیز دست یافته اند؛ به گونه ای که نتیجه پژوهش آنها در ارائه ترتیب سوره ها، نه تنها با ترتیب روایی ناسازگار است، بلکه میان ترتیبهای خودشان هم تفاوت و ناسازگاریهای بسیار زیادی مشاهده می شود. این نکته نشان دهنده آن است که معیارها و مبنای آنها چیزی جز ذوقیات و تخیلات محض نبوده است.

این مقاله به گزارش و نقد پژوهش هشت تن از خاورشناسان در زمینه تاریخ گذاری قرآن می پردازد که عبارتند از: تئودور نولدکه، گوستاو وایل، رودولف بلاشر، ریچارد بل، ویلیام مویر، گریم و هرشفلد.

واژه های کلیدی: تاریخ گذاری، تاریخ نزول، آیات و سوره، مکی و مدنی، خاورشناسان.

## مقدمه

اصطلاح «تاریخ قرآن» اصطلاح به نسبت جدیدی است که از سوی اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان غربی وضع شده است. پیش از قرن حاضر و در آثار علوم قرآنی پیشینیان، همچون اتقان سیوطی، برهان زرکشی، و مناهل العرفان زرقانی، چنین تعبیر و اصطلاحی یافت نمی‌شود. البته اصل مصداق و مطالب مربوط به آن وجود داشته است. به سخن دیگر، در جهان اسلام از همان آغاز، منابع و مواد و مباحث تاریخ قرآن مطرح بوده است؛ به عنوان نمونه در صحیحین، روایاتی درباره چگونگی تدوین و نگارش قرآن و کاتبان وحی ذکر شده است. در برهان زرکشی و اتقان سیوطی نیز مطالب فراوانی درباره تاریخ قرآن مانند چگونگی نزول وحی و ترتیب آیات و سوره‌ها و نامگذاری سوره‌ها و توقیفی بودن یا توقیفی نبودن ترتیب و توالی آنها و نحوه تدوین مصاحف گوناگون و رسم‌الخط عثمانی و اختلاف قرائت، مطرح شده است.

در دوران معاصر، تألیفات متعددی درباره تاریخ قرآن از سوی خاورشناسان به نگارش درآمده است. دکتر محمد حسین علی الصغیر، سیر تألیفات تاریخ قرآن از سوی خاورشناسان را به ترتیب تاریخی معرفی کرده است.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که در «تاریخ قرآن» مباحث گوناگونی همچون وحی، تقسیمات قرآن، اسباب نزول آیات و سوره، کیفیت نزول قرآن و ترتیب نزول آیات و سوره به چشم می‌خورد. تحقیقی که در پیش روی دارید، در خصوص ترتیب نزول آیات و سوره است. از آنجا که قرآن بر حسب مقتضیات و شرایط و نیازها به صورت تدریجی نازل گشته، پرداختن به تاریخ‌گذاری واحدهای نزول قرآن امری ضرور به نظر می‌رسد. بهترین روشی که می‌تواند برای تفسیر روشن و درست قرآن کریم به کار آید، روش تاریخی است.

از اواسط قرن سیزدهم خاورشناسانی همچون وایل، نولدکه، بلاشر، رودول، مویر، هرشفلد، ریچارد بل و گریم، به پژوهشهایی در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن اهتمام ورزیده‌اند. نقد و بررسی پژوهش آنان، زوایای گوناگونی از این دانش را برای پژوهشگران قرآنی آشکار می‌سازد.

## پژوهش گوستاو وایل<sup>۲</sup>

در میان نظامهای تاریخ‌یابی آیات و سوره قرآن، نظامی که بیشترین مقبولیت را احراز نمود، نظام یا طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای بود که توسط گوستاو وایل در کتاب مقدمه تاریخی انتقادی بر قرآن آغاز شد و سپس به وسیله دانشمندان دیگری مانند نولدکه، بلاشر و رودول مورد پیگیری و اهتمام بیشتری قرار گرفت. گوستاو تاریخ‌گذاری سوره‌ها را براساس سه معیار ارائه نمود:

طرح

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

۱. استناد به خردادهای تاریخی که از طریق منابع دیگر شناخته شده است؛ یعنی در قرآن به برخی از وقایع تاریخی اشاره شده، ولی شرح آنها را باید در منابع تاریخی جست و جو نمود.
  ۲. مضامین وحی یا محتوای آیاتی که بیانگر شرایط و وظایف گوناگون پیامبر است.
  ۳. سبک و سیاق ساختار وحی، به لحاظ نحوه لحن و آهنگ و شیوه نثر یا سجع عبارات.
- شایان ذکر است که معیار سوم قابل خدشه و در خور نقد است که به تدریج مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وی سوره‌های قرآن را به چهار دسته - سه دسته مکی و یک دسته مدنی - تقسیم کرده و سوره‌های مکی را به ترتیب به این مقاطع تاریخی نسبت داده است: از آغاز بعثت تا هجرت به حبشه، حدود سال ۶۱۵ میلادی؛ از آن زمان تا هنگام بازگشت پیامبر از طائف، حدود سال ۶۲۰ میلادی؛ و از آن تاریخ تا هجرت پیامبر(ص) به مدینه برابر با سپتامبر ۶۲۲ میلادی. وایل برای سوره‌های هر طبقه، ویژگیهای معینی را برشمرده است.

### ویژگیهای طبقه نخست

- اغلب با برخی از سوگندها آغاز شده‌اند.
- بیشتر آیات، کوتاه و احساس برانگیزند.
- آیات آن موزون و دارای سجع هستند.

- زبان این سوره‌ها مملو است از تصویرها و تمثیلهای شاعرانه و جاذبه شعری.<sup>۲</sup>

ویژگیهایی که وایل برای طبقه‌بندی نخست از سوره‌های مکی بیان کرده است، همه بر مبنای سبک و ظاهر آیات و سوره‌ها ظاهر شده‌اند. این گونه نشانه‌ها هرگز دارای جامعیت و مانعیت لازم نیستند تا بتوان تمام سوره‌ها را براساس آنها از یکدیگر متمایز و طبقه‌بندی نمود. به سخن دیگر؛ به لحاظ سبک، تغییراتی در طول سالهای نزول وحی به وجود آمده است، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که تمام سوره‌هایی که سبکی یکسان دارند متعلق به دوره‌ای خاص باشند و در دوره‌های دیگر یافت نشوند.

به عنوان نمونه، می‌توان به ملاک کوتاهی یا بلندی آیات و سوره‌ها اشاره نمود که امری ذوقی و سلیقه‌ای است و اصولاً کوتاهی آیات و اعتقادی بودن آنها هیچ‌گونه ملازمه‌ای با مکی بودن سوره مورد نظر و یا اختصاص آن به نخستین مرحله از دوران وحی مکی در همه جا ندارد و موارد نقض بسیاری مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، سوره‌های بلند متعددی در مکه نازل شده است، مانند سوره‌های انعام، اعراف، اسراء، کهف، طه، مریم، انبیاء و مؤمنون. و نیز در مدینه سوره‌های کوچک و کوتاه نازل شده است، مانند سوره‌های نصر، زلزله و یثنه. هرگز عقل و خرد و یا شیوه عقلانی و ادبی دانشمندان نمی‌پذیرد که خداوند متعال لزوماً باید سوره‌های کوتاه را در

اوایل وحی نازل کند، آن گاه به تدریج به فرستادن آیات و سوره‌های بلندتر پردازد؛ چرا که نقش موضوع و محتوای آنها بسیار مهم‌تر از نوع و تعداد کلمات و عبارات است.

### ویژگیهای طبقه دوم

- سوره‌ها بلندتر و به نثر نزدیک‌ترند.
- خیال‌انگیزی و جاذبه شعری هنوز در آنها دیده می‌شود.
- در آنها از صفات الهی همچون رحمت او، از اوصاف بهشت و دوزخ، چگونگی عقاب و عذاب و نشانه‌های خدا در طبیعت، سخن به میان آمده است.

### ویژگیهای طبقه سوم

- سوره‌ها بلندتر و در مقایسه با سوره‌های طبقه دوم، به نثر نزدیک‌ترند.
- به گونه‌ای خطاب‌های و وعظی نازل شده‌اند و جنبه احساس برانگیزی ندارند.
- در آنها داستان انبیا و کیفرهای اخروی با جزئیات بیشتری بازگو شده است.

### ویژگیهای طبقه چهارم

- سیر حوادث پس از هجرت را بیان می‌کنند.
  - آیات و سوره‌ها بلندتر از سابق هستند.
  - بیانگر قدرت و فرمانروایی فزاینده سیاسی و اجتماعی پیامبر(ص) هستند.<sup>۴</sup>
- همان اشکال کلی نادرست بودن استناد به سبک و ظواهر آیات و سوره‌ها و تعیین تاریخ نزول آنها، بر این ویژگیهای سایر طبقات که وایل ذکر نموده، نیز وارد است و نیازی به توضیح و بررسی دیگر ندارد. به سخن دیگر، این گونه ویژگیها ممکن است جنبه تغلیب و اکثری داشته باشند، ولی هرگز از دو وصف جامعیت و مانعیت کامل و دقیق برخوردار نیستند.

### پژوهش نولدکه

تئودور نولدکه<sup>۵</sup> نیز همچون گوستاو وایل، سوره‌های قرآن کریم را بر پایه سه معیاری که در دیدگاه وایل ذکر گردید، به چهار طبقه - سه طبقه مکی و یک طبقه مدنی - تقسیم نموده است. وی دستاوردهای پژوهش خویش را در کتاب تاریخ قرآن که آن را در سال ۱۸۶۰ میلادی منتشر نمود، ارائه داده است. نولدکه در ترتیب و تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن روشی جدید برگزیده و در

طهر

این زمینه، اخبار و روایات صحیح را نادیده گرفته است؛ حال آنکه روایاتی از صحابه رسول الله (ص) نقل شده که خود شاهد نزول وحی الهی بوده‌اند و زمان و مکان آن را خوب می‌شناخته‌اند. طبقه تابعین نیز تفصیل آن را از زبان یاران پیامبر (ص) شنیده‌اند و برای نسلهای پس از خود بازگو نموده‌اند. درخور یادآوری است که تکیه بر روایات صحیح هرگز منافاتی با اعمال نظر اجتهادی و تتبع و پژوهش شخصی ندارد؛ به ویژه در مواردی که روایات صریح و معتبری در دست نباشد. در این صورت، با استناد به قرائن و امارات دیگر و جست و جو در متن آیات و تمسک به تاریخ و سیره پیامبر می‌توان نظر داد.

به هر حال، نولداکه معتقد بوده است ترتیب زمانی آیات و سوره قرآن را بر خلاف شیوه اسلامی آن باید تنظیم نمود. او برای خود روش جدیدی برگزید که بسیاری از خاورشناسان تحت تأثیر او قرار گرفتند و از او پیروی کردند؛ هر چند همه به نتایج مشترکی دست نیافتند. این نوع تاریخ‌گذاری قرآن، اندک اندک همه خاورشناسان را به خود مشغول نمود و سهمگین‌ترین اشتباهات را پدید آورد و بزرگ‌ترین خطرات را برای عرصه پژوهشهای قرآنی ایجاد کرد. ویژگیهایی که نولداکه برای سوره‌ها در طبقات مختلف ذکر کرده، بدین قرار است:

### ویژگیهای سوره دوران نخست وحی در مکه

۱. در سوره‌های مربوط به مرحله اول از وحی مکی، هیجان تشنج زای پیامبر، اغلب خود را با شدت و حرارت فراوان نشان می‌دهد. این هیجان و احساس به قدری شدید بوده که او نمی‌توانسته سخنان خود را با انتخاب مطرح کند، بلکه آن سخنان به صورت ناگهانی از زبان او صادر می‌شده‌اند.<sup>۶</sup>

در پاسخ به وی می‌توان گفت: البته در قرآن مجید سه آیه وجود دارد که پیامبر را از شتاب ورزیدن در ادای کلمات و آیات وحی باز می‌دارد و به او اطمینان می‌بخشد که هرگز چیزی از وحی را فراموش نخواهد کرد: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»<sup>۷</sup> برای خواندن قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود عجله مکن و بگو: پروردگارا، علم مرا افزون ساز. «لَا تَحْرُكْ بِهِ لِسَانِكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»<sup>۸</sup> پیش از آنکه وحی بر تو پایان یابد، زبان خود را به قرآن نجانبان. بر ماست که آن را جمع آوری کنیم و بر تو بخوانیم. «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى»<sup>۹</sup> ما به زودی قرآن را بر تو قرائت می‌کنیم و هرگز آن را فراموش نخواهی کرد.

همان گونه که ملاحظه شد، هیچ‌یک از این آیات دلالت نمی‌کند که پیامبر (ص) در انتخاب سخنانش اختیار و مهار نداشته و ناخود آگاه کلمات از دهانش خارج می‌شده، بلکه مفاد آیات

مزبور صرفاً این است که حضرت به سرعت آنها را تکرار می‌کرده تا فراموش نکنند. پس ادعای نولدکه مبنی بر اینکه هیجان و احساس پیامبر در اوایل وحی به قدری شدید بوده که نمی‌توانسته سخنان خود را انتخاب کند، مطلبی نادرست و غیرقابل دفاع است.

۲. سوره‌های این مقطع از وحی، نظیر آن غیب‌گویی‌های کاهنان، هرگز طولانی نبوده، بلکه از جمله‌های کوتاه فراهم می‌آمده، لکن سجعها به سرعت دگرگون می‌شد.<sup>۱۰</sup>

نولدکه سخنان قرآن را در سوره‌های مرحله نخست مکه در مسجع بودن و کوتاهی و همراهی با سوگند، به کهانت کاهنان ملحد و غیب‌گویان پیش از نزول قرآن تشبیه نموده است و حال آنکه مقایسه بین سخن قرآن با سخن کاهنان امری نادرست است و هرگز نباید تفاوت‌های قرآن با کهانت را نادیده انگاشت؛ چرا که در کهانت، تکلف و گنگی و اباطیل و اراجیف و کلمات نامأنوس به کار می‌رفت، در حالی که در قرآن مجید هیچ یک از این نقصها و عیبه وجود ندارد.

۳. بسیاری از آن سوره‌ها با سوگند آغاز می‌شوند که این روش نیز عمده‌تاً توسط کاهنان به کار گرفته می‌شد. برخی از این سوگندها به قدری شدید و تندند که قابل درک نیستند و شاید اصلاً بنابر آن نبوده که پاره‌ای از آنها درک شوند؛ چرا که همه گونه امور و مطالب عجیب و غریب در این سوره‌ها یافت می‌شود.

۴. وصف‌هایی روشن و مؤکد در این سوره‌ها از روز رستاخیز وجود دارد. نعمتهای بهشت و رنج و عذابه‌های دوزخ به گونه پرشور و هیجان‌انگیزی در آنها مطرح شده‌اند. البته تمام سوره‌های این دوره دارای چنین شدت و حدتی نیستند، بلکه آخرین سوره‌های آن به گونه آرام‌تری بیان شده‌اند.<sup>۱۱</sup>

نولدکه پس از معرفی ویژگیهای چهارگانه طبقه اول از سور مکی، به دشواری تعیین تاریخ نزول دقیق سوره‌های مکی اذعان می‌کند و می‌افزاید:

با این همه، باید اذعان نمود که تعیین تاریخ نزول دقیق آنها فوق‌العاده دشوار است. به عنوان مثال از هیچ طریقی نمی‌توان اطمینان حاصل نمود که آغاز سوره علق قدیمی‌ترین قسمت وحی قرآنی باشد. روایتی که می‌گوید سوره علق نخستین سوره بوده است، به عایشه همسر مورد علاقه پیامبر - برمی‌گردد، در حالی که او هنگام نزول وحی هنوز به دنیا نیامده بود. علاوه بر اینکه عایشه به هیچ وجه از وثاقت و اعتبار کافی برخوردار نیست. و دلیل دیگر اینکه سوره‌های دیگری وجود دارد که توسط دیگران به عنوان نخستین واحدهای نزول معرفی شده‌اند.<sup>۱۲</sup>

طرح

پاسخ آن است که اولاً، در منابع اهل سنت، این روایت را از طریق غیر عایشه نیز نقل کرده‌اند، به عنوان مثال، طبرانی در **المعجم الکبیر** به سند صحیح از ابی‌رجاء عطاردی نقل می‌کند: «ابوموسی اشعری برای ما محفل قرآن تشکیل می‌داد و اقراء می‌نمود. موقعی که به تلاوت سوره علق رسید چنین گفت: این نخستین سوره‌ای است که بر محمد(ص) نازل شده است.» و نظیر این معنا را ابن‌اشته در کتاب **المصاحف** از قول عبیدبن عمیر روایت کرده است.<sup>۱۳</sup> ثانیاً، در منابع شیعی نیز روایاتی وارد شده که نسبت به نزول سوره علق به عنوان نخستین سوره تصریح نموده‌اند.<sup>۱۴</sup>

### ویژگیهای سوره‌های دوره میانی مکه

یک. «شیوه تخیل به گونه محسوسی کاهش می‌یابد.»<sup>۱۵</sup> در پاسخ می‌گوییم: این پیش فرض که ویژگی تمثیلی و تخیلی سوره‌های قرآنی به تدریج کاهش می‌یابد، در خور نقد است. به چه دلیل حالت استعاری و تمثیلی قرآن، فراز و نشیب متوالی نداشته و همواره از فراز به نشیب جریان یافته باشد؟ اساساً مقام استعاره و تمثیل کجاست؟ مراد از شیوه تخیل، به کارگیری انواع مجاز در سخن است و می‌دانیم که استعاره بهترین نوع مجاز است. ابن‌رشیق هم گفته است که استعاره از محاسن کلام به شمار می‌آید، مشروط بر اینکه در محل و موضع مناسب خود استعمال گردد.<sup>۱۶</sup> البته به کارگیری هر نوع استعاره‌ای موجب زیبایی سخن نمی‌شود. لذا عبدالقاهر جرجانی استعاره را به دو نوع مفید و غیرمفید تقسیم می‌کند و می‌گوید: مراد از استعاره غیرمفید آن است که غرض از آن صرفاً تنوع در تعبیر و تفسیر در ادای کلام باشد که این از ارزش سخن می‌کاهد؛ برخلاف استعاره مفید که فائده و غرضی بر آن مترتب می‌گردد، مانند موردی که مشتمل بر انواع تشبیه باشد.<sup>۱۷</sup> مثلاً در آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»<sup>۱۸</sup> تشبیه مطوی به عقل و درایت است و سخن می‌گوید و به همین مناسبت سخن گفتن را به آن دو نسبت داده است.<sup>۱۹</sup>

با توجه به آنچه گذشت، هیچ دلیلی وجود ندارد که حالت استعاری و تمثیلی قرآن همواره از فراز به نشیب بوده و به تدریج کاهش یافته باشد، بلکه قرآن کریم براساس مقتضای حال نازل شده است. به سخن دیگر می‌توان گفت که استفاده از این گونه امور، از ویژگیهای متداول و رایج هر زبانی از جمله زبان عربی است که قرآن در قالب آن نازل شده است.

دو. «در این سوره‌ها هر چند که هنوز واجد حرارت و هیجان هستند، ولی در مجموع، اضطراب و ناآرامی پیامبر فروکش می‌کند.»<sup>۲۰</sup>

نولدکه رو به کاهش نهادن اضطراب و ناآرامی پیامبر(ص) را از ویژگیها و نشانه‌های سوره‌های دوران میانی مکه برشمرده است و حال آنکه هیچ دلیلی یا شاهدهی برای اصل این حالت و نسبت دادن آن به پیامبر(ص) ذکر نکرده است و در واقع هم هیچ دلیل عقلی یا نقلی بر اثبات چنین مدعایی وجود ندارد. البته هرگاه آن حضرت اتصال به عالم غیب می‌یافتند، نوعی حالت ناآرامی به ایشان دست می‌داد که اصطلاحاً «برحاء وحی» نامیده می‌شد؛ ولی توجه به این نکته لازم است که اولاً این حالت دلیل بر اضطراب یا ترس و شک و نگرانی نبوده، بلکه ناشی از درک و احساس عظمت و کبریایی مقام حق تعالی بوده است و ثانیاً پیدایش این حالت، مخصوص زمان برقراری ارتباط مستقیم با عالم غیب بوده، که هم در مکه وجود داشته و هم در مدینه رخ می‌داده است.

سه. «جایگاه سوگندها در آغاز آیات و سوره‌ها انتخاب شده‌اند.»<sup>۲۱</sup>

او کاربرد سوگند در عناوین آیات نخست سوره‌ها را نشانه تعلق آن سوره‌ها به دوران میانی وحی مکی دانسته است؛ و حال آنکه اولین آیه از سوره‌های ذاریات، طور، نجم، قلم، قیامت، مرسلات، نازعات، بروج، طارق، فجر، بلد، شمس، لیل، ضحی، تین، عادیات، عصر، با سوگند آغاز شده‌اند. نولدکه همه این سوره‌ها را، خود، جزء سوره‌های دوران نخست مکه یاد کرده است و جالب این است که تعداد این گونه سوره‌ها بیشتر از سوره‌هایی است که در ردیف دوران میانی مکه برشمرده است و با سوگند آغاز شده‌اند. پس چگونه می‌توان براساس علائمی همچون آغاز شدن سوره‌ها با سوگند، دوران نزول آنها را معین ساخت؟!

چهار. «در این دسته از سوره‌ها که تعدادشان به ۲۱ سوره می‌رسد، روی هم رفته، زیبایی و جذابیت سبک آیات وحی از میان برمی‌خیزد. یک سوره از قرآن به نام سوره فاتحه به آغاز همین مرحله مربوط می‌شود.»<sup>۲۲</sup>

از دیگر اشتباهات مهم نولدکه این است که نزول سوره فاتحه را مربوط به مرحله میانی از وحی مکی دانسته و در مقام ترتیب و شماره‌گذاری، رقم ۴۸ را به آن اختصاص داده است، در حالی که می‌دانیم سوره فاتحه جزء لاینفک و از شرایط صحت نماز است؛ چنان‌که در برخی روایات آمده است: «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب.»<sup>۲۳</sup> از سوی دیگر مسلم است که نماز نخستین حکم شرعی بوده که در صدر اسلام، وجوب آن اعلام شده است و پیامبر و پیروانش مقید به اقامه آن بوده‌اند. از این رو امکان ندارد آن گونه که نولدکه تاریخ‌گذاری کرده، «فاتحه» سوره

طبر



چهل و هشتم از واحدهای نزول باشد. بنابراین همان گونه که در جدول ترتیب نزول منسوب به علمای مسلمان ارائه شده، این سوره پنجمین سوره‌ای است که در اوایل وحی مکی، یعنی در همان آغاز بعثت، نازل شده است.<sup>۲۴</sup>

### ویژگیهای سوره‌ها در مرحله پایانی وحی مکی

سوره‌ها در این مرحله تقریباً به طور کامل منشور هستند که البته نمونه‌های مسجعی را نشان می‌دهند که رفته رفته به حالت قالبی و کلیشه‌ای درآمده و نوعاً به «ون» و «ین» ختم می‌شوند. سخنان تملی و تخیلی کم‌رنگ می‌شود و آیات وحی، شکل خطابه‌ای به خود می‌گیرند. قصص انبیا، افکار و ایده‌های پیشین را تکرار می‌کند. برخی از سوره‌ها حجم و اندازه قابل توجهی دارند. پاره‌ای از آیات در سوره‌ها نیز نسبت به آیات در سوره‌های مرحله پیشین، بلندترند. گاهی بارقه‌ای از نیروی شعری در آنها نمایان می‌شود.

این دسته از سوره‌ها که تعدادشان نیز به ۲۱ سوره می‌رسد، می‌تواند به عنوان نمایی از خشم یا رنجش پیامبر در برابر واکنش برخی از هم‌قبیله‌ای‌های مکی به پیام او به شمار آید.<sup>۲۵</sup>

ویژگیهایی که نولدکه برای سوره‌های مرحله پایانی وحی مکی برشمرده، بیشتر همان استناد به سبک و اسلوب ظاهری آیات، مانند مسجع بودن، تخیلی بودن و... است که قبلاً مورد نقد و بررسی قرار گرفت و نیازی به تکرار آن مباحث وجود ندارد.

### ویژگیهای سوره‌ها در دوران وحی مدنی

سبک سوره‌های مدنی شباهت نسبتاً نزدیکی به سوره‌های آخرین مرحله از دوران مکه دارد. در بیشتر نثرهای آن، جلوه‌ها و زیباییهای فصیح فراوانی به چشم می‌خورد. بخشهای بسیار درخشان و جذاب، به ویژه در آیاتی که خطاب به رزمندگان مؤمن آمده، وجود دارد. این سوره‌ها که تعدادشان ۲۴ سوره است - به ترتیب تاریخمندی یکی پس از دیگری قرار گرفته‌اند - بیانگر قدرت فزاینده سیاسی پیامبر و تشکیل چارچوب اجتماعی امت اسلامی او هستند.

در هر حال، پیامبر به عنوان رهبر شناخته شده و رسمی در دین و امور اجتماعی جامعه مدینه مطرح می‌شود. آیات قرآنی او در ارتباط با

تشریح احکام کیفری، امور داخلی یا احوال شخصیه همچون قوانین ازدواج و طلاق و ارث، مقررات راجع به آداب و مراسم گوناگون، امور شخصی، رهنمودهایی درباره گرفتاریها و مشکلات مقطعی بود و نیز آیاتی درباره دعوت به جهاد در راه خدا نازل می‌گردد. بیش از سی مرتبه افرادی که از قبل به آنها کتاب آسمانی داده شده بود، همگی با لقب «اهل الکتاب» مطرح شدند تا از گروهی که فاقد کتاب آسمانی بودند و «امیین» نامیده می‌شدند تفکیک گردند. دسته مهمی از آیات مدنی اشاره به قطع رابطه پیامبر با قبایل یهود دارد و سپس مطرح ساختن شخصیت ابراهیم به عنوان بنیانگذار خانه کعبه و نخستین اسوه مسلمانان حنیف بیانگر دین خالص الهی است که بعدها به وسیله حضرت محمد(ص) تقویت و تثبیت گردید. ۲۶

اظهاراتی که نولدکه در تبیین ویژگیهای آیات و سور مدنی ذکر می‌کند، قابل پذیرش است و از موارد برداشتهای درست وی به شمار می‌آید.

### پژوهش رودول

رودول ۲۷ در سال ۱۸۷۶ میلادی ترجمه‌ای از قرآن در لندن چاپ و منتشر ساخت و همه سوره‌های قرآن را به زعم خود براساس ترتیب زمانی نزولشان تنظیم نمود. وی در این پژوهش خود از شیوه و عملکرد نولدکه پیروی کرده است؛ ولی در مورد ترتیب سوره‌های مربوط به طبقه اول دوران وحی مکی، از نظرها و اجتهادات شخصی خویش بهره گرفته است. وی سخن خود را از اینجا آغاز نموده که چون آیات نازل شده در ابتدای دوران وحی کوتاه بوده‌اند، باید آنها را در جایگاه مناسبی از سوره‌های مختلف جای داد. مثلاً در مورد سوره «ملک» چنین گفته است: «آیات هشتم تا یازدهم متأخر از سایر آیات نازل شده‌اند، لکن بعداً در آنجا قرار گرفته‌اند، زیرا هر یک از آن آیات نسبت به بسیاری از آیات دیگر این سوره، طولانی‌تر هستند.» ۲۸

تردید نیست که به محض نگاه کردن به خود مصحف عربی - که بی‌نیاز از ترجمه و تنظیم رودول است - آیات (۱۱-۸) سوره ملک را می‌یابیم که به ترتیب دارای این تعداد کلمه هستند: (۹، ۱۲، ۵ و ۱۳)؛ حال آنکه تعداد کلمات به کار رفته در سایر آیات این سوره مابین ۸-۱۸ کلمه است. مهم‌تر اینکه آیات ۸-۱۱ این سوره که رودول مدعی شده بعدها به آن قسمت پیوسته‌اند، به لحاظ مفاد و موضوع، ارتباط و پیوند کاملی با آیات قبل و بعد خود دارند. اینک برای

طهر

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

اثبات این حقیقت می‌توان آیات ششم تا سیزدهم این سوره را با دقت مورد ملاحظه قرار داد: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ... إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ وَ أَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ». این دسته از آیات با آیات نخستین سوره، نظم و پیوند منطقی و معنوی روشنی دارند؛ چرا که در آیات اول تا پنجم سوره، سخن از نشانه‌های عظمت و قدرت الهی و ادله آن در جهان آفرینش بود و در آیات مورد بحث، از کسانی سخن می‌گوید که این ادله را نادیده می‌انگارند و راه کفر و شرک را پیش می‌گیرند و همچون شیاطین عذاب الهی را به جان می‌خرند. در ادامه، علت اصلی بدبختی استحقاق عذاب آنان را بیان می‌کند و می‌فرماید: از یک سو خداوند گوش شنوا و عقل و هوش داده و از سوی دیگر پیامبران خود را با دلایل روشن فرستاده تا آنکه سعادت آدمی تأمین گردد؛ ولی هنگامی که انسان گوش دارد اما با آن نمی‌شنود و چشم دارد و نمی‌بیند، خرد دارد ولی نمی‌اندیشد، اگر تمام پیامبران الهی و کتب آسمانی به سراغ او آیند اثری ندارد!

رودول همچنین ادعا کرده است که آیات ۲۴-۶۰ سوره ذاریات در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته‌اند، بلکه در جریان جمع‌آوری و تدوین قرآن در زمان عثمان، به انگیزه اینکه قرآن تعدیل مناسبی پیدا کند به آنجا منتقل شده‌اند.<sup>۲۹</sup> نادرست بودن این ادعا نیز به سادگی قابل اثبات است؛ چرا که با تأمل در مفاهیم و مطالب این سوره و تحلیل محتوای آیات متوجه می‌شویم که آیات ۲۴-۶۰ به صورت منطقی و طبیعی، مکمل موضوعی هستند که در آیات اول تا بیست و سوم این سوره مورد بحث قرار گرفته است.

از آنجا که رودول در تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی از شیوه نولدکه پیروی نموده و میانی و معیارهای او را به کار گرفته است، دیدگاه مستقل و سخن تازه‌ای ندارد؛ جز سخنان و آرای پراکنده‌ای که در زمینه شخصیت پیامبر(ص) و یا اقتباس قرآن از عهدین و... اظهار نموده است که چون ارتباطی با تاریخ‌گذاری قرآن ندارد، طرح آنها در اینجا مستلزم خروج موضوعی خواهد بود.

### پژوهش بلاشر<sup>۳۰</sup>

در ترجمه بلاشر، سوره‌ها به ترتیب تاریخی رده‌بندی شده‌اند و تنها این ترتیب در چند نکته با ترتیب و طرح نولدکه تفاوت دارد. بلاشر پیشنهاد نولدکه را درباره سه دوره مکی کاملاً می‌پذیرد.<sup>۳۱</sup> تفاوتی که ترکیب وی با طرح نولدکه دارد، بدین قرار است: او دو سوره ذاریات و قلم را در آغاز دوره دوم مکی قرار داده و حال آنکه نولدکه آنها را در پایان دوره نخست مکی جای داده است. دیگر اینکه او سوره انسان را در دوره نخست مکی آورده است. تفاوت دیگر

اینکه بلاشر سوره «اسراء» را در دوره سوم مکی قرار داده، ولی نولدکه آن را در ردیف دوره دوم مکی ذکر نموده است.

بلاشر در مورد توجیه و تبیین تفاوت ترتیب سوره‌ها در دوره نخست مکی چنین گفته است:

من ترجیح داده‌ام سوره‌هایی را که با هم شباهت موضوعی دارند، در طبقه‌هایی مستقل گردآورم و آن‌گاه میان طبقه‌هایی که با یکدیگر بیشترین هماهنگی و انسجام را دارند، با توجه به سیر رسالت پیامبر، توالی و ترتیب برقرار نمایم. ۳۲

واقعیت آن است که همین اقدام بی‌پایه، بلاشر را در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی پاره‌ای از سوره‌ها به بخش‌ها یا تاریخهای گوناگون، گرفتار ساخته است. پس منشأ اصلی خطای او در تاریخ‌گذاری قرآن این است که در تنظیم سوره‌ها و جابه‌جایی آنها از ارائه هرگونه توجیه تاریخی یا علمی خودداری نموده است.

### ویژگیهای سوره‌ها در نخستین مرحله وحی در مکه

بلاشر نیز همچون نولدکه برای هر یک از مراحل وحیهای مکی و مدنی - سور طبقه‌بندی شده - ویژگیهایی را در نظر گرفته است و آنها را ملاک تفکیک سوره‌های هر طبقه از طبقات دیگر معرفی می‌کند.

یک. آغاز وحی مکی با شروع عبادت و شب زنده‌داری و دعا مقارن بوده است. شاید این امر به خاطر آن بوده است که مسلمانان نخستین، به گردآوری پنج سوره که مشتمل بر عبادات و ادعیه است احساس نیاز می‌کرده‌اند. یکی از آن سوره‌ها سوره «حمد» بود که فاتحه نامیده شد، زیرا در اسلام با این سوره باب عبادت گشوده می‌شود. دو. آیات این مرحله از نظر سبک عموماً مرکب از شش تا ده هجاست.

سه. پایان آیه‌ها بر آهنگی - که از غنای بسیار و زیبایی بی‌اندازه بهره‌مند است - متکی است و غالباً دو یا سه آیه با سجع و برگردان پایان می‌یابد، مانند سوره مرسلات. ۳۳

این سخن بلاشر که سوره «فاتحه» جزء پنج سوره نازل شده در اوایل وحی مکی بوده و در اسلام، باب عبادت با این سوره آغاز می‌شود، با این نکته که در جدول زمان‌بندی نزول سوره‌ها آن را چهل و پنجمین سوره نازل شده معرفی کرده، در تناقضی آشکار است. اما ویژگیهای دیگری

طهری

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

که به لحاظ سبک و ساختار ظاهری آیات ذکر کرده، ملاک دقیقی برای تعیین مقطع زمانی سوره‌ها به شمار نمی‌آید.

### ویژگیهای سور مکی در مرحله میانی

«یک. در دومین مرحله وحی مکه بیست و دو سوره نازل شده است که آغاز آن، سوره کهف است که نسبتاً طولانی است. این دوره با سوره نجم پایان می‌یابد.

دو. این سوره‌ها مفصل و مشروح و دارای مطالب متنوع‌اند. سه. در سوره «الرحمن» معمولاً صفاتی نظیر ازلیت و ابدیت اسناد داده شده به خدا به چشم می‌خورد.

چهار. فاصله اصول عقاید جامعه نوبنیادی که بر پایه تعالیم قرآن در مکه تأسیس شده بود، با گروه‌های مخالف کاملاً محسوس بود. با نگرشی به آیه‌های ۸۱، ۸۲، ۹۱ و ۹۲ سوره مؤمنون، کاملاً می‌توان این فاصله فکری را درک نمود.

پنج. به لحاظ مضمون، این آیات به بی‌حرمتی و اهانت کافران پاسخ می‌دهد و با دلیل و برهان، حقیقت را به آنان گوشزد می‌نماید.<sup>۳۴</sup>

شایان ذکر است که ویژگیهای مذکور در مورد سور مکی مرحله میانی، مورد قبول و خالی از اشکال به نظر می‌رسد.

### ویژگیهای مرحله سوم سور مکی

یک. بیست و دو سوره نیز به مرحله سوم اختصاص داده شده است. بین سوره‌ها و آیات این دوره و دوره پیش، هیچ‌گونه تفاوت اساسی در محتوا یا در روش ملاحظه نمی‌گردد. با این همه، برخی تعبیر این دوره به محتوای آیاتی که پس از سال ۶۲۲ میلادی نازل شده، شباهت دارد، به ویژه آیاتی که در دو یا سه سال آخر اقامت در مکه نازل شده است.

دو. لحن گفت و گوی آیات، آهنگی اندرزگونه دارد. البته این روش در گذشته هم به کار می‌رفته است و تنها تفاوتش در مرحله سوم در تعمیم خطاب و گفت و گو است که به قشر خاصی از جامعه اختصاص ندارد.

سه. برخی از سوره‌های این دوره با تقسیم سه گانه «مقدمه، موضوع، نتیجه» طراحی شده و این حاکی از گسترش کامل وحی در

مرحله سوم است. این دگرگونی ساخت، بیانگر نیازهایی است که پیامبر در دعوت خود احساس می‌کرد. در مواردی، ناگزیر به ریشه‌یابی نارساییهای موجود در جامعه می‌پرداخته است.<sup>۲۵</sup>

ویژگی اول و دوم به طور نسبی مطابق با واقع و قابل قبول است، اما درباره ویژگی سوم باید خاطر نشان ساخت: با توجه به اینکه شیوه بیانی قرآن کریم خطابه‌ای و موعظه‌ای است و مهم‌ترین هدفی که پیگیری می‌کند همان هدایتگری بندگان است، انتظار اینکه در همه سوره‌ها الزاماً مقدمه و موضوع و نتیجه‌ای مستقل مشاهده شود، نادرست است. بنابراین، تحلیل بلاشر در مورد اینکه وجود چنان تقسیمی در این دوره نشان‌دهنده گسترش کامل وحی است، تحلیلی ذوقی و مبتنی بر نظریه شخصی اوست.

### نزول وحی در مدینه

آیاتی که مدت ده سال رسالت پیامبر در مدینه نازل گردیده، مجموعاً ۲۴ سوره کوتاه و بلند را تشکیل داد. در این سوره‌ها مکرر آمده است که از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. بلندی آیات و واژه‌های پایانی، دارای آهنگی شبیه به یکدیگر و غالباً شایان توجه است. در این مرحله، آیات دوازده سطری به منظور بیان پاره‌ای از دستورهای فقهی دیده می‌شود. به طور کلی آیات مدنی هم به لحاظ سبک و شیوه و هم از حیث موضوعات مطرح شده، نشان دهنده ارتباطی دائمی و هماهنگی کامل قرآن با نیازهای واقعی مردم آن سامان است که در گذشته وجود نداشته است.<sup>۲۶</sup>

اکثر ویژگیهای مذکور درست است، ولی در پاسخ به آخرین مطلب و مدعای او باید گفت که تمامی آیات و سوره قرآنی هماهنگ با نیازهای واقعی مردم بوده است و این امر مختص آیات و سوره مدنی نیست، بلکه در وحی مکی نیز لحاظ شده است. از این رو، بر این قرآن‌پژوه خاورشناس لازم بود که برای اثبات صدق مدعای خویش لااقل به یک نمونه از آیات و احکام نازل شده در مکه اشاره کند و توضیح دهد که به چه دلیل و با چه تقریری ناهماهنگی آنها با مخاطبان مکی اثبات می‌گردد!

### پژوهش گریم

هیوبرت گریم،<sup>۳۷</sup> در سال ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۵ میلادی کتابی با عنوان محمد بر پایه معیارهای سه‌گانه برگزیده وایل و نولدکه ارائه نمود. وی در زندگی نامه‌ای که از حضرت محمد(ص) نوشته،

طهری

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

شیوه مستقلی در پژوهش برگزیده است که آمیخته با تاریخ جمع و تدوین و تعیین تاریخ نزول وحی و زمان وحی و زمان نزول سوره‌هاست. او احترام فراوانی برای سنت قائل شده و در ترتیب سوره‌های قرآنی بر روایات و اسانید اسلامی تکیه نموده و درصدد این برآمده که بدون قطع ارتباط و ایجاد گسستگی میان سوره‌ها و اخبار و روایات، آنها را مجدداً طبقه‌بندی نماید. وی سوره‌ها را به سه طبقه، دو طبقه مکی و یک طبقه مدنی، تقسیم کرده است. در طبقه نخست مکی، سوره‌هایی که اسلوب و مضامینی درباره توحید و قیامت و حیات سعادت‌آمیز یا شقاوت‌آمیز و اختیار یا عدم اختیار انسان در ایمان به مبدأ و معاد دارند، و در طبقه دوم، سوره‌هایی که از اسلوب موزون کمتر برخوردارند و مطالبی درباره نعم الهی و داستانهای پیشینیان ذکر کرده‌اند، مطرح می‌شوند. در این گروه دوم، سخن از رحمت یا لطف الهی به میان می‌آید و اسم «رحمن» به کار می‌رود و وحی «کتاب» برجستگی می‌یابد و قصص پیامبران گذشته که گیرندگان وحی بوده‌اند بیان می‌شود. در طبقه سوم، سوره‌هایی که اغلب مشتمل بر احکام‌اند، مطرح شده‌اند.<sup>۳۸</sup>

نظر به اینکه او در ترتیب خود به اسلوب قرآن توجه فراوانی داشته یعنی سبک عبارات و لحن و آهنگ واژگان را معیار دسته‌بندی آیات و سوره قرار داده است، ترتیبش بیشتر به اعمال ذوق شبیه است. از جمله ذوقیات او آن است که سوره «تبت» را نخستین سوره و «علق» را دوازدهمین سوره و «فاتحه» را هفتاد و نهمین سوره نازل شده معرفی کرده و سوره‌های «انسان»، «رحمن»، «حج»، «رعد» و «بنه» را جزو سوره مکی دانسته است.

میان طبقه‌بندی او و طبقه‌بندی نولدکه ارتباطی هست و گاهی آرای او با عقاید نولدکه یکسان می‌شود. ولی با همه کوششی که به کار برده، او نیز مانند سایر خاورشناسان از آزمون روایات و تشخیص صحیح و معتبر از ضعیف و غیرمعتبر آن ناتوان مانده است و در مواردی هم اسانید ضعیف و یا باطلی در کار او رخنه می‌کند.<sup>۳۹</sup> به سخن دیگر، وی آن‌چنان که باید و شاید به پاکسازی روایات و تشخیص صحیح و ستقیم آنها نپرداخته و از این رو، باکی نداشته که ترتیب قرآن را برپایه‌های سستی که از یک سلسله روایات ضعیف و گاهی مردود و مجهول تشکیل شده‌اند، قرار دهد. از آنجا که او همیشه پایبند به روایات نبوده، سرانجام سر از نظریه نولدکه درآورده و در تبیین و پیگیری مراحل پیاپی تنزیل وحی قرآنی بارها با نولدکه هم عقیده شده است. نظام گریم در جلد دوم کتاب او تحت عنوان محمد ارائه شده و اساساً صورت دیگری از تاریخ‌گذاری نولدکه به شمار می‌آید. تحلیل گریم از انواع مضامینی که با هم در قرآن به کار رفته‌اند، مفید می‌نماید، ولی این دیدگاه در مورد نتایج کلی عقاید (توحید، معاد و غیره) مورد قبول عموم واقع نشده و از این رو از اعتبار افتاده است.<sup>۴۰</sup>

## پژوهش ریچارد بل

ریچارد بل<sup>۴۱</sup> ترجمه شیوایی از قرآن کریم، همراه با توضیحات و در دو جلد به زبان انگلیسی ارائه کرده که در آن کوشیده است در قالب آرای انتقادی، به تجدید ترتیب و توالی قرآن کریم بپردازد. البته او در این کتاب همه یادداشتهایی را که ثابت‌کننده آرا و نظریات او درباره چگونگی ترتیب سوره‌ها بود انتشار نداد، تا اینکه در سال ۱۹۵۳ میلادی کتاب مقدمه قرآن<sup>۴۲</sup> را در تکمیل ترجمه خود منتشر نمود. این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است:

۱. موقعیت تاریخی محمد(ص). ۲. ریشه و اصل قرآن و مسئله جمع قرآن و روایات آن. ۳. شکل و صورت قرآن. ۴. سبکها و اسلوبهای بیانی قرآن. ۵. تهیه و تنظیم سوره‌ها. ۶. ترتیب نزول(بل در این فصل ابتدا ارزش واقعی روایات ترتیب نزول را رد کرده و دیدگاههای نولدکه، مویر، بلاشر، هرشفلد، گریم و رودول را در این زمینه مطرح کرده است و با ذکر ملاکهای مورد نظر نولدکه در ترتیب و طبقه‌بندی سوره‌ها به نقد پژوهش او پرداخته است). ۷. مراحل تکمیل قرآن ۸. محتویات و منابع قرآن(شامل تعالیم، داستانها و احکام).

بل در این کتاب، بر خلاف این دیدگاه که واحد اصلی وحی همواره به صورت یک سوره کامل بوده است، بر این باور بود که آیات وحی در قالب واحدهایی بسیار کوچک‌تر و اغلب اوقات تنها متشکل از یک یا دو یا سه آیه بوده است. او برای چنین ادعای مهمی هیچ گونه دلیلی اقامه نکرده و حال آنکه نزول سوره‌های کاملی از قرآن به صورت دفعی، امری اجماعی است. طبق استدلال او تاریخ‌گذاری مناسب آیات قرآنی باید خود را با این واحدهای کوچک‌تر سازگار نماید. او سوره‌ها را با ترکیبی که هم‌اکنون دارند، به اجزای تشکیل دهنده فرضی تقسیم نموده، آن‌گاه با فرایند پیچیده‌ای از تحلیل تلاش کرده تا برای هر یک از این اقسام، تاریخی ارائه دهد. در پارهای از موارد، قسمتهایی را مجموعه واحدی از وحی می‌دانسته، اما بعدها پی‌برده که کاملاً مستقل‌اند و در سوره‌های مختلفی گنجانده شده‌اند. چنین دریافتی با این نظریه او که قرآن در معرض بازنگاری و بازنگری گسترده‌ای قرار گرفته، سازگار است. وی همچنین گمان می‌کرد که قسمتهایی از قرآن احتمالاً بر پشت اوراقی که مشتمل بر قسمتهای دیگر قرآنی بوده، نوشته شده‌اند و درج آیه‌ای در سوره‌هایی که در واقع به آنها تعلق نداشته، می‌تواند ناشی از کار کاتبانی باشد که این اوراق را به شیوه‌ای فنی استنساخ نموده‌اند، بی‌آنکه هیچ گونه توجهی به مفهوم آیات داشته باشند.<sup>۴۳</sup>

او اغلب در مقام تبیین نظام پیچیده خود در مورد معیارهای تفکیک کننده، به اظهار نظرهایی کلی بسنده نموده و سوره‌ها را براساس برداشتهای شخصی خود تجزیه کرده و به گونه‌ای سلیقه‌ای و استحصانی محض مطرح نموده که آیات خاصی کنار گذاشته شدند، در حالی

ظهور

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴



که محتوای کناره‌های دیگر کاغذ که قرار بود کنار گذاشته شوند، حفظ و نگهداری گردیدند. بل هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای این نظریه بیان نکرده است. به نظر می‌رسد که بل کلمه «کاغذ» را برای تکمیل کار به عنوان هر نوع مصالحی که برای نوشتن به کار رفته، استعمال نموده است. او آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت و آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره انشقاق و آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیه را به عنوان نمونه‌هایی از این جابه‌جایی ذکر می‌کند. مثلاً در مورد سوره غاشیه می‌گوید: این سوره با وصف قیامت آغاز می‌شود و بیانگر سرنوشت فاسقان است. آن‌گاه به وصف پرهیزکاران می‌پردازد. پیداست که آیات ۱۷ تا ۲۰ پیوندی با آیات قبل و بعد خود ندارد و از نظر سجع و قافیه و فاصله نیز متفاوت است.

فرضیه بل این است که این آیات از آن جهت در اینجا درج شده‌اند که پشت کاغذی که در آن ۱۳ تا ۱۶ نوشته شده بوده، قرار داشته‌اند. آیات ۱۳ تا ۱۶ هم که از حیث سجع یا فاصله از آیات پیشین متمایز است، افزوده بعدی که در پشت تکه «کاغذ» یا صحیفه‌ای که مشتمل بر آیات ۱۷ تا ۲۰ بوده، نوشته شده است. به هر حال، این دیدگاه که نظم و ترتیب قرآن اغلب در معرض این واقعیت قرار گرفته که عباراتی پشت عبارات دیگر نوشته شده، از سوی بل با تفصیل تمام در مورد کل قرآن ادعا شده است. می‌توان گفت: آنچه او حدس می‌زند عقلاً امکان وقوع داشته است. ولی به نظر می‌رسد که لااقل در بعضی دوره‌ها، هر کسی که مسئول جمع و تدوین قرآن بوده، به صرف ملاحظه فقدان توالی معنایی و گسستگی مفهومی نگران و بدگمان نمی‌شده است، یعنی امکان داشته که در یک سوره گسستگی مفهومی پیش آید، بی آنکه لزوماً ناشی از این باشد که بخشی از عبارات را پشت عبارت دیگر نوشته باشند.

بل با در نظر گرفتن تدوین قرآن در طی حیات پیامبر، نقطه آغازین قرآن به عنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می‌داند. برای او این واقعه نقطه عطف به شمار می‌آید، در حالی که مسئله هجرت به عنوان معیار تفکیک در ساختار طبقه‌بندی سوره‌ها محسوب نمی‌شود. ریچارد بل در واقع نظام تاریخ‌یابی دقیقی را مطرح نکرده، بلکه به طور کلی چنین نتیجه گرفته است که جمع قرآن به سه دوره‌ی اصلی تقسیم می‌شود:

دوره اول مربوط به عبارات مشتمل بر «آیات» و پند و اندرزهایی درباره عبادت پروردگار است. اینها بیانگر قسمت عمده مواعظ پیامبر در مکه است که صرفاً مقداری پراکنده و ناقص از آنها باقی مانده است. دوره دوم یا مرحله «قرآن»، شامل اواخر زندگی پیامبر در مکه و دو سال فعالیت او در اوایل دوران مدینه می‌شود. در طی این دوران، پیامبر به کار فراهم آوردن مجموعه‌ای از محفوظات دینی و عبادی پرداخت.

دوره سوم یا مرحله «کتاب» متعلق به فعالیت او در مدینه است که آغاز آن به اواخر سال دوم پس از هجرت برمی‌گردد که از آن زمان پیامبر درصدد تدوین قرآن (به صورت کتاب) برآمد. البته در قرآن موجود، هیچ یک از این سه مرحله را نمی‌توان به طور دقیق و مجزا یافت، زیرا بخشهای مشتمل بر «آیه» به تدریج در مجموعه امور عبادی گنجانده شد و محفوظات شفاهی پیشین بعدها مورد جرح و تعدیل قرار گرفتند و قسمتی از کتاب مدون را به وجود آوردند.<sup>۴۴</sup>

مهم‌ترین اشکالی که در فرضیه بل وجود دارد این است که بین مرحله «قرآن» و مرحله «کتاب» تمایز قاطعی را فرض کرده است، بی‌آنکه دقیقاً به توجیه و اثبات این تمایز بپردازد و اینکه از کجا حاصل شده است؛ حال آنکه در آیات مختلف واژه «قرآن» همواره معادل با واژه «کتاب» به کار رفته است، مانند آیه اول سوره فصلت؛ مگر در مواردی که مراد از «قرآن» بخش منفرد یا عمل قرائت باشد.

### پژوهش ویلیام مویر

مویر<sup>۴۵</sup> معتقد است که هرگونه تلاش به منظور ترتیب تاریخی و طبیعی سوره‌ها سرانجام نتیجه‌ای تقریبی و حدسی در پی دارد. البته به منظور نزدیک‌تر شدن تحقیق به واقعیت، ویژگیها و معیارهای خاصی وجود دارد که لازم است مورد ملاحظه قرار گیرند:

یک. سبک و اسلوب سوره‌ها: سوره‌های تند و خشن و شورانگیز متعلق به دوران نخست نزول وحی هستند. سوره‌های معمولی و منثور و نیز نقلی و داستانی مربوط به دوران دوم وحی‌اند. سوره‌های تشریحی و آمرانه نیز به دوران پایان نزول وحی تعلق دارند.<sup>۴۶</sup>

این معیار و مبنای پژوهش مویر مخدوش است، یعنی انحصار نزول احکام شرعی در دوران مدینه و اواخر نزول وحی، امری نادرست است؛ زیرا به عنوان نمونه می‌توان از سوره «اعراف» یاد کرد که در مکه نازل شده است و آیات ۳۱ تا ۳۳ آن درباره حلال، حرام، زینت‌ها، فواحش و اموری دیگر سخن گفته است. همچنین آیات ۱۴۱ تا ۱۴۶ سوره انعام، حکم شرعی ثمرات و چهار پایان و حلال و حرام آنها را بیان کرده‌اند.

دو. به لحاظ محتوا، در مکه مطالب ویژه‌ای خطاب به بت‌پرستان و یهودیان و مسیحیان آن دیار مطرح شده و حال آنکه شهروندان ناراضی یا ستم‌دیدگان مدینه به گونه دیگر مورد خطاب قرار گرفتند.

سه. اشارات خاصی به نقاط عطف تاریخی در برخی از سوره‌ها مشاهده می‌شود که براساس آنها می‌توان دوره نزولشان را تعیین نمود.

طهر

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

ع.

چهار. بخش قابل توجهی از سوره‌ها - به ویژه سوره‌های بلندتر - دارای بخشهایی از وحی هستند که متعلق به دوره‌های مختلفی از زندگی پیامبرند. البته در پاره‌ای از موارد هم با سوره‌ای مواجه می‌شویم که نوع ترکیب و تألیفش به گونه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان به‌طور کامل دوران نزول آن را معین ساخت.

حتی در سوره‌ای که جزء سوره‌های مدنی طبقه‌بندی شده است، گاهی به آیاتی بر می‌خوریم که زمانهایی بسیار دور در مکه نازل شده‌اند. به طور کلی برخی از واحدهای نزول در قرآن فاقد هرگونه ویژگی و نشانه‌ای هستند که بتوان براساس آن، زمان نزولشان را معین نمود. در نتیجه، تنظیم و تعیین جایگاه تاریخی آنها صرفاً فرضی و حدسی خواهد بود. سوره‌های قرآن به شش طبقه تقسیم می‌شوند که پنج طبقه آنها مکی و طبقه ششم مدنی است.

طبقه اول شامل هیجده سوره است: عصر، عادیات، زلزله، شمس، قریش، فاتحه، قارعه، تین، تکوین، همزه، انفطار، لیل، فیل، بلد، شرح و کوثر. تمام اینها سوره‌هایی کوتاه و شورانگیزند. برخی تنها متشکل از یک یا دو سطرند. احتمالاً همه این هیجده سوره پیش از آنکه پیامبر به نبوت مبعوث شود و یا وحی به او نازل گردد، فراهم آمده‌اند، چرا که هیچ یک از این سوره‌ها ساخت و بافت پیام الهی را ندارند.<sup>۴۷</sup>

این انتقاد اساسی بر مویر وارد است که بدون بیان هیچ‌گونه برهان و استدلال و یا دست کم ارائه شواهدی ادعا نموده که هیچ یک از این سوره‌های هیجده‌گانه رنگ و بو یا ساخت و بافت پیام الهی را ندارند، پس احتمالاً متعلق به پیش از بعثت آن حضرت هستند. معلوم نیست که او با چه ذهنیتی هیجده سوره را متعلق به قبل از بعثت دانسته است. او درباره ویژگی مشترک آن سوره‌ها فقط گفته است که همگی کوتاه و شورانگیزند. در پاسخ می‌گوییم که سوره‌های دیگری غیر از آنها نیز وجود دارند که از دو وصف کوتاهی و شورانگیزی برخوردارند، ولی مویر به قرآنی بودن آنها اذعان نموده و آنها را جزء طبقات بعدی برشمرده است. سوره‌های «ناس»، «فلق»، «مسد» و «قدر» از آن جمله‌اند. به سخن دیگر در کلام مویر نوعی تناقض ملاحظه می‌شود، زیرا او قرآنی بودن سوره‌های طبقه نخست را نفی کرده، ولی سایر سوره‌ها را دارای ساخت و بافت قرآنی و پیام الهی دانسته است و حال آنکه اعتراف به وحیانی بودن سایر سوره‌ها مستلزم این است که پیامبر(ص) را رسول خدا بدانند. پس او باید ادعای پیامبر مبنی بر قرآنی و وحیانی بودن تمام سوره‌ها را بپذیرد.<sup>۴۸</sup>

## پی نوشتها:

۱. علی الصغیر، محمد حسین؛ المستشرقون و الدراسات القرآنیة، ص ۲۷-۳۴، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۲. وایل در بیست و چهارم آوریل ۱۸۰۸ در زولتسبورگ - شهر کوچکی در جنوب آلمان - به دنیا آمد. در سیزده سالگی وارد مدرسه تلمودی متس شد. در هفده سالگی به قصد تکمیل تحصیلات مذهبی خود به دانشگاه هایدلبرگ پیوست. اما دیری نگذشت که از رشته الهیات کناره گرفت و به تاریخ و زبان شناسی روی آورد. در سال ۱۸۶۱، به مقام استادی زبانهای شرقی نایل آمد. وی در سیام اووت ۱۸۸۹ در فرایبورگ در گذشت. ر.ک: عبدالرحمن بدوی، دائرة المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، ص ۶۷۲-۶۷۵.

3. W. Montgomery watt. Al - KURAN, THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, V. 5, P.416.

4. Ibid. P. 418

۵. وی در سال ۱۸۳۶ میلادی در شهر هامبورگ آلمان به دنیا آمد. تلاش پایدار و درخشش ذهنی و آگاهی گسترده اش به ادبیات یونانی و شناخت کاملش از سه زبان سامی (عربی، سریانی و عبری) به او امکان داد که جایگاه بلند و شهرت عظیمی را نه تنها در میان خاورشناسان آلمان، بلکه در میان خاورشناسان جهان به دست آورد. او تحصیلات دبیرستانی خود را در شهر لینگن و تحصیلات دانشگاهی را در شهر گوتینگن و برلین پشت سر نهاد. مدرک دکترای خود را در سال ۱۸۵۶ با رساله ای تحت عنوان تاریخ قرآن به دست آورد که از مشهورترین آثار وی است. ر.ک: فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، ص ۴۱۹ و آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۱۸۵.

6. NOLDEKE; THE ORIGINS OF THE KORAN, EDITED BY IBN WARraq, P. 51, 1998.

۷. طه: ۱۱۴.

۸. قیامة: ۱۶.

۹. اعلی: ۶.

10. Ibid.

11. Ibid.

12. Ibid.

۱۳. ر.ک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، نوع هفتم، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ج ۲، ص ۶۲۸-۶۲۹، حدیث ۶: محمد باقر مجلسی، ج ۹۲، ص ۳۹، حدیث ۱.

15. NOLDEKE, ibid.

۱۶. زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۳۹۸، بی جا، بی تا.

۱۷. جرجانی، عبدالقاهر، أسرار البلاغة، ص ۲۳، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ ق.

۱۸. فصلت: ۱۱.

۱۹. زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۱۸۹.

20. NOLDEKE, ibid.

طه

سال

بهار

شماره ۱۴ و ۱۳

بهار و تابستان ۸۴

۴۲

21. NOLDEKE, *ibid.*

22. *Ibid.*

۲۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، کتاب الصلاة، روایات باب اول از ابواب القراءة فی الصلاة، ج ۶ تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۶۷.

۲۴. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۱۷۰، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی،

۱۴۱۵ ق.

25. NOLDEKE, *ibid.* P.53

26. *Ibid.*

۲۷. رودول کشیش و دانشمند انگلیسی، از خاورشناسان و قرآن پژوهان قرن نوزدهم میلادی بوده است. وی که تحصیلات عالی خویش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس ادامه داده، بررسی و مطالعاتی درباره اسلام و قرآن داشته است. به ویژه در مورد آیات قرآن سالها مطالعه و تأمل کرده و معلومات و اطلاعات گسترده‌ای در این زمینه به دست آورده است. یکی از خدمات او ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است. رک:

حسین عبدالهی خوروش، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، ص ۵۸ و ۱۲۲.

28. WELL; THE KORAN, PP. 23 - 65, LONDON, 1909.

29. DWELL, *ibid.*

۳۰. شر در سی‌ام زاتویه ۱۹۰۰ میلادی در ناحیه مونروگ (پاریس) به دنیا آمد. در سال ۱۹۱۵ میلادی همراه والدینش به کشور مغرب رفت. دوره دبیرستان را در مدرسه فرانسوی در «الدار البیضاء» گذراند. در سال ۱۹۲۲ لیسانس خود را از دانشگاه الجزایر دریافت کرد و پس از آن به رباط بازگشت و در مدرسه مولایوسف به تدریس پرداخت. سال ۱۹۳۶ با دو رساله «ابوالطیب متنبی، شاعر عرب در قرن چهارم» و ترجمه فرانسوی کتاب طبقات الامم دکترای خود را از دانشگاه پاریس دریافت نمود. او در سال ۱۹۷۳ در هفتاد و سه سالگی دارفانی را وداع گفت. ر. ک: عبدالرحمن بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، ص ۴۱۹.

۳۱. ریچارد بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص ۱۷۳، ج ۱، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، ۱۳۸۲.

32. *chere, le coran, vol 2, P. 6.*

۳۳. بلاشر، رزی، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۶۷ ج ۱، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۲.

۳۴. همان، ص ۶۸ - ۷۰.

۳۵. همان، ص ۷۲.

۳۶. همان، ص ۸۶.

۳۷. این خاورشناس آلمانی و پژوهشگر معاصر، تحقیقاتی درباره قرآن کرده و زحماتی کشیده و آیات قرآنی را به ترتیب سوره‌های آن براساس روایات و اسناد اسلامی طبقه‌بندی کرده است، از آثار و خدمات او کتابی است درباره پیامبر اسلام که تحت عنوان محمد در سال ۱۸۹۲ در مونیخ چاپ رسیده است.

ر.ک: عبداللهی خوروش، حسین، فرهنگ اسلام شناسی خاورشناسان، ص ۱۹۹، ج ۱، تهران، مؤسسه مطبوعاتی مطهر، ۱۳۶۲.

۳۸. ر.ک: صبغی، الصالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۷۵-۱۷۶، ج ۱، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰.

۳۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۶۲۱ ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.

۴۰. ر.ک: بدوی، عبدالرحمن؛ دفاع عن القرآن ضد منتقدیه، ص ۱۲۲-۱۲۳، قاهره، الدار العالمیه للکتب و النشر، بی تا.

۴۱. وی پژوهشگری اسکاتلندی و یکی از استادان ادب در دانشگاه ادینبورگ بوده و سالهای زیادی از عمر خود را در تحقیق علوم و تاریخ قرآن صرف کرده است. مشهورترین آثار بل عبارتند از: ترجمه قرآن کریم (سال ۱۹۴۱م)، مقدمه‌ای بر قرآن کریم (سال ۱۹۵۳م) اسلوب قرآن کریم (سال ۱۹۴۴م)، متشابه در قرآن کریم (سال ۱۹۸۲م). ر.ک: عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۱۰۰، ج ۱، الرياض، دار طیبه، ۱۴۱۳ ق.

42. Introduction to the Quran, RICHARD BELL, LONDON 1953.

43. RICHARD. BELL, INTRODUCTION TO THE QURAN, P. 101.

44. Ibid. PP. 121-144.

۴۵. خاورشناس و میسیونر انگلیسی در ۲۷ آوریل ۱۸۱۹ در گلاسکو به دنیا آمد و در ۱۱ ژانویه ۱۹۰۵ در ادینبورگ اسکاتلند درگذشت. عبدالرحمن بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه صالح طباطبایی، ص ۶۳۷.

46. THE CORAN, ITS COMPOSITION AND TEACHING, 1878, P. 41-42.

47. Ibid. P. 43.

۴۸. جهت پی بردن به متن کامل پژوهش مویر، ر.ک: پژوهش و حوزه، شماره ۱۹-۲۰، ص ۲۳۵-۲۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طهری

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴ - بهار و تابستان ۸۴